

کنش: به هر فعالیتی که ما انجام می دهیم، کنش می گویند. مثال: راه رفتن - غذا خوردن - درس خواندن - سلام کردن و

.....

کنشگر: به انجام دهنده فعالیت ها کنشگر می گویند. (تک تک ما انسانها کنشگر هستیم)

ویژگی های کنش:

هر کنشی که ما انجام می دهیم ۴ ویژگی دارد. (ارادی بودن - آگاهانه بودن - هدفدار بودن و معنی دار بودن)
هر فعالیتی که ما انجام می دهیم، اگر هر ۴ ویژگی را بطور درست و کامل داشته باشد؛ کنشی کامل است و کنشی که یک یا چند ویژگی را بطور کامل و درست نداشته باشد؛ کنشی ناقص خواهد بود.

نکته: (قدرت کنشگری هر فرد به میزان تسلط او بر این چهار ویژگی بستگی دارد).

ویژگی ها را با هم مرور می کنیم.

- ۱- ارادی بودن: یعنی اینکه ما فعالیتی را که انجام می دهیم از روی اراده مستقل خودمان باشد، نه از روی تقلید کورکورانه یا اجبار از سوی دیگران
- ۲- آگاهانه بودن: یعنی اینکه ما از چیستی و چگونگی انجام یک فعالیت آگاه باشیم، بدانیم که برای انجام آن فعالیت به چه ابزارها و وسایلی نیاز داریم و از پیامدهای احتمالی انجام آن کنش نیز آگاه باشیم.
- ۳- هدفدار بودن: یعنی اینکه ما از انجام آن فعالیت یک هدف کوچک، کاملاً مشخص و قابل دستیابی داشته باشیم. (دقیقاً بدانیم که چرا و به چه دلیلی آن فعالیت را انجام می دهیم).
- ۴- معنی دار بودن: یعنی اینکه ما آن فعالیت را بر اساس یک معنای ذهنی یا یک برداشت ذهنی انجام می دهیم و با انجام آن، یک پیام یا معنایی را به دیگران انتقال می دهیم.

مثال: هادی با تصمیم خود به باشگاه ورزشی می رود. او با محیط باشگاه و تمرین هایی که در باشگاه انجام می دهند؛ آشناست. هادی می خواهد در مسابقاتی که سال آینده قرار است برگزار شود؛ شرکت کند. از نظر او باشگاه رفتن یک از بهترین راههای حفظ سلامتی است.

با توجه به متن فوق. می خواهیم کنشی که هادی انجام می دهد و ویژگی های کنش او را تشخیص دهیم.

هادی با تصمیم خود به باشگاه می رود (ارادی بودن)

او با محیط باشگاه و تمرین هایی که در باشگاه انجام می دهند؛ آشناست (آگاهانه بودن)

هادی می خواهد در مسابقاتی که سال آینده قرار است برگزار شود؛ شرکت کند (هدفدار بودن)

از نظر او باشگاه رفتن یک از بهترین راههای حفظ سلامتی است (معنی دار بودن)

کنش هادی نمونه ای از یک کنش کامل است. زیرا هر ۴ ویژگی را بطور همزمان دارد.

اما اگر هادی نه با خواست خودش بلکه با تقلید کورکورانه از دوستش به باشگاه می رفت / یا اگه هیچ آشنایی قبلی با باشگاه نداشت / یا اینکه بدون هیچ هدفی به باشگاه می رفت / یا باشگاه رفتن را به معنای خوشگذرانی می دانست.

کنش او یک کنش ناقص میشد و پس از مدتی او از باشگاه خسته میشد و دیگه هم ادامه نمیداد.

سوال دیگر:

چرا برخی افراد می گویند،....." من اصلاً شانس ندارم.....هر کاری می کنم موفق نمیشم.....دو سال هست کنکور میدم اما تو رشته ای که میخوام قبول نمیشم.....

ما در پاسخ به اینگونه افراد می توانیم بگوییم. کارهای ما به شانس و ...وابسته نیست. کافیه به کم تو کنش هایی که انجام میدیم دقت کنیم و ببینیم که تو کدوم ویژگی مشکل داریم.

مثال: کسی که دو سال هست که نمی تونه تو رشته مورد علاقه اش قبول شه. حتما در یکی از ویژگی های کنش مشکل دارد. ممکنه که او واقعا نه با اراده خودش بلکه بخاطر اجبار والدینش داره برا کنکور میخونه. یا اینکه داره از دوستش تقلید کورکورانه میکنه (اشکال در ویژگی ارادی بودن)

ممکنه روش خواندن او درست نیست...یا راجع به مدیریت زمان در جلسه کنکور آگاهی نداره و(اشکال در ویژگی آگاهانه بودن)

ممکنه درست نمیتونه برای هر روز یا هر هفته هدف گذاری کنه....هدف هایی که کاملاً مشخص و قابل دستیابی باشند.....(اشکال در هدفدار بودن)

ممکنه کنکور براش به معنای یک کابوس وحشتناکه.....ممکنه بخاطر فشار اطرافیان این برداشت ذهنی رو داره که اگه قبول نشه، آبروی خودش و خانواده رو می بره.....

به نظر شما دانش آموز بیچاره ای که این معنای ذهنی رو داره. سایر ویژگی های کنش اون هم دچار اختلال نمیشه؟؟؟؟

نکته: ما هر کنش را بر اساس برداشت و معنای ذهنی که برای آن کنش قائلیم انجام می دهیم و علاوه بر آن با انجام آن کنش؛ موجب شکل گیری یک معنا یا برداشت ذهنی در ذهن مخاطب خود نیز می شویم.

(تسلط کنشگر بر معنا یا پیامی که با کنش خود به دیگران انتقال می دهد، موجب جلوگیری از ایجاد معانی یا برداشت های ذهنی نادرست در ذهن مخاطب خود می شود و معمولاً از کنش خود همان نتیجه ای را می گیرد که مدنظرش بوده است).

مثال: دانش آموزی را تصور کنید که در اتاق خود مشغول مطالعه است؛ در این حین یکی از والدین او را برای انجام کاری صدا می کند، دانش آموز که مشغول مطالعه کردن است؛ برای توجهی به خواسته او نکرده و به کار خود ادامه می دهد. پس از اتمام مطالعه، وقتی به او مراجعه می کند، متوجه می شود که دلخور شده است. در این مثال دانش آموز از معنایی که به بطور ناخواسته انتقال داده است؛ آگاهی نداشته و این معنا را انتقال داده است که ارزشی چندانی برای او قائل نیست.

نکته: از میان ویژگی های کنش. ویژگی های آگاهانه و معنی دار بودن از بقیه ویژگی ها مهم ترند. **بویژه ویژگی آگاهانه بودن که از همه ویژگی ها مهم تر است** چرا که ویژگی معنی داری نیز از ویژگی آگاهانه بودن ناشی می شود. آگاهی از معانی و پیام های موجود در هر کنش نقش بسیار مهمی در به نتیجه رسیدن کنش دارد و متقابلاً عدم آگاهی از آن؛ زمینه سوء تفاهم دیگران را فراهم می سازد.

نکته: تفاوت میان ویژگی هدفداری و معنی داری:

هدفداری بیشتر به بخش فردی کنشگری مربوط بوده و معنی داری به بخش اجتماعی کنشگری مرتبط می باشد. هدفداری غالباً خاصیت ارادی و خودخواسته دارد اما معنی داری همیشه اینگونه نیست و گاهی کنشگر بطور ناخواسته معانی یا پیام هایی را انتقال می دهد.

نکته: ارادی بودن و هدفداری شروط لازم و ضروری کنش هستند و آگاهانه بودن و معنی داری شروط کافی، مهم و متمایز کنشگری می باشند. (یعنی: عوامل تمایز بخش میان کنشگران هستند)

پیامدهای کنش

هر فعالیتی که ما انجام می دهیم به نتایج و پیامدهایی منجر می شود.

پیامدها کنش به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- پیامدهای آرای

۲- پیامدهای غیرآرادی

الف) وابسته به اراده کنشگر (کنش های ثانویه)

پیامدهای آرای

ب) وابسته به اراده دیگری (کنش های متقابل)

الف) پیامدهای آرای وابسته به اراده کنشگر: ما برای فهم بهتر این پیامدها؛ عنوان کنش های ثانویه را انتخاب می کنیم.

توضیح: کنش های ثانویه: کنش هایی هستند که کنش قبلی ما زمینه انجام آنها را ایجاد کرده اند. یعنی اگر ما کنش قبلی را انجام نمی دادیم. این کنش های ثانویه هم ایجاد نمی شدند.

مثال: رفتن به باشگاه

پیامدهای آرای وابسته به اراده کنشگر (کنش های ثانویه) رفتن به باشگاه کدامند؟

برای پاسخ دادن به این سوال، می بایستی این سوال را بررسییم که: رفتن ما به باشگاه احتمالاً زمینه چه فعالیت های دیگری را برای ما ایجاد می کند؟ (رفتن به باشگاه باعث میشود که ما احتمالاً چه فعالیت های دیگری را انجام دهیم؟)

رفتن به باشگاه احتمالاً باعث می شود ما در مسابقات ورزشی شرکت کنیم / با افراد جدیدی دوست شویم/ با مربی های ورزشی آشنا شویم و بنابراین شرکت در مسابقات ورزشی / دوست شدن با افراد جدید و آشنا شدن با مربی های ورزشی.... کنش های ثانویه هستند یا همان (پیامدهای آرای وابسته به اراده کنشگر)

ب) پیامدهای آرای وابسته به اراده دیگری: ما برای فهم بهتر این پیامدها عنوان کنش های متقابل را انتخاب می کنیم.

توضیح: پیامدهای آرای وابسته به اراده دیگری (کنش های متقابل): کنش هایی هستند که دیگران در مقابل کنش ما انجام می دهند.

مثال: رفتن به باشگاه

پیامدهای آرای وابسته به اراده دیگری (کنش های متقابل) رفتن به باشگاه کدامند؟

برای پاسخ به این سوال باید این سوال را بررسییم که رفتن ما به باشگاه باعث می شود که احتمالاً دیگران (والدین - دوستان و ...) چه کنش هایی در برابر کنش های ما انجام دهند.

رفتن به باشگاه احتمالاً باعث میشود که والدین مان ما را تشویق و تحسین کنند/ دوستانمان با ما همراه شوند و به باشگاه بیایند و

بنابراین تشویق و تحسین والدین و همراهی دوستان، کنش های متقابل یا همان (پیامدهای ارادی وابسته به اراده دیگری هستند)

دقت کنید: کنش های ثانویه (پیامدهای ارادی وابسته به اراده کنشگر) و کنش های متقابل (پیامدهای ارادی وابسته به اراده دیگری). احتمالی هستند. قطعی و حتمی نمی باشند.

یعنی ما نمی توانیم ۱۰۰ درصد بگوییم که رفتن به باشگاه باعث میشه ما در مسابقات شرکت کنیم یا ۱۰۰ باعث میشه که والدین ما را تشویق کنند.....بنابراین این پیامدها احتمالی هستند.

مثال دیگر:

نماز خواندن : کنش های ثانویه : دعا خواندن- به مسجد رفتن و / کنش های متقابل : تشویق والدین - آرام تر بازی کردن برادر و خواهر کوچکتر

توضیح: نماز خواندن ما احتمالا باعث می شود ما دعا هم بخوانیم / به مسجد هم برویم (کنش های ثانویه)

نماز خواندن ما احتمالا باعث می شود، والدین ما را تشویق کنند / برادر یا خواهر کوچکتر ما آرام بازی می کنند.

پیامدهای غیر ارادی: این پیامدها برخلاف پیامدهای ارادی، قطعی و حتمی هستند. ۱۰۰ درصد رخ می دهند.

مثال: نماز خواندن: پیامد غیر ارادی : پاداش الهی

ورزش کردن: پیامد غیر ارادی: سلامتی و تندرستی

توضیح: کنش های ما پیامدهای غیر ارادی هم دارند. یعنی چه بخواهیم و چه نخواهیم این پیامدها ایجاد میشوند.

مثال: سیگار کشیدن: آسیب ریه / دعوکردن: افزایش فشار عصبی

نکته پایانی:

دقت کنید. هر کنش یا فعالیتی که ما انجام می دهیم تنها یک کنش یا یک فعالیت نیست. بلکه زمینه چند کنش یا فعالیت دیگر را هم فراهم می کند. اگر کنش ما خوب و مطلوب باشد احتمالا باعث می شود چند کار خوب دیگر را هم انجام دهیم و برعکس. دقت کنید. هیچکس معتاد یا خلافکار بدنیا نمیاید بلکه اعتیاد و خلافکاری پیامدهای کنش آنها هستند.

تفاوت انسانها ناشی از تفاوت در کنش های آنهاست. ناشی از تفاوت در میزان آگاهانه بودن کنش های آنهاست (در کنش هایمان باید بسیار دقت کنیم. زیرا هر کنش زمینه ساز چند کنش دیگر خواهد شد).

مثال: احترام به پدر و مادر باعث می شود : روابط صمیمانه و خوب با آنها داشته باشیم / مشکلاتمان را با آنها در میان بگذاریم (کنش های ثانویه)

از سوی دیگر باعث می شود. والدین هم به ما احترام بگذارند / حرف های ما را به دقت گوش دهند / (کنش های متقابل)

و نهایتا این احترام به پدر و مادر حتما باعث رضایت خدا از ما می شود (پیامد غیر ارادی)

(دقت کنید ما بجای پیامدهای ارادی وابسته به کنشگر، اصطلاح کنش های ثانویه و بجای پیامدهای ارادی وابسته به دیگری اصطلاح کنش های متقابل را بکار برده ایم.